

## The Relationship between Thinking Styles and Academic Adjustment among the Students of Islamic Azad University-Khoy Branch

Heydar Ali Zarei<sup>7</sup>  
Malek Mirhashemi<sup>8</sup>  
Hassanpasha Sharife<sup>9</sup>

## رابطه سبک های تفکر و سازگاری آموزشی در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوی<sup>۱</sup>

حیدرعلی زارعی<sup>۲</sup>  
مالک میرهاشمی<sup>۳</sup>  
حسن پاشا شریفی<sup>۴</sup>

### Abstract

The current study aimed to investigate the relationship between thinking styles and academic adjustment. The participants of the study were 581 students in Islamic Azad University, Khoy branch (including 298 males, 277 females, and 4 no response). The sampling method was stratified random sampling. Two standardized questionnaires were used for data collection: Thinking Styles Inventory-Revised II (TSI-R2-2007) and Student Adaptation to College Questionnaire (SACQ-1989). Data were analyzed using Pearson correlation test and multiple regression. The results showed that (1) there is a positive and significant relationship between academic adjustment and Executive, Judicial, Local, Liberal, Hierarchical and External thinking styles; (2) The variables age, Judicial, Liberal, Hierarchical thinking styles have significant predictive value for academic adjustment while the variables of sex, Legislative, Oligarchic and Anarchic thinking styles have negative predictive value for academic adjustment. Nearly 19 percent of the variance of academic adjustment could be explained by the independent variables.

**Keywords:** Thinking styles, academic adjustment

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین سبک های تفکر و سازگاری آموزشی انجام شد. نمونه تحقیق شامل ۵۸۱ نفر از دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوی در سال تحصیلی ۸۹-۹۰ بود که از طریق نمونه گیری تصادفی طبقه ای انتخاب شده بودند. برای جمع آوری داده ها از فرم کوتاه پرسش نامه سبک های تفکر استرنبرگ، واگنر و زانگ<sup>۵</sup> (TSI-R2-۲۰۰۷) و سازگاری آموزشی بیکر و سریاک<sup>۶</sup> (SACQ -۱۹۸۹) استفاده شد. داده ها از طریق آزمون همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه به شیوه همزمان مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج نشان داد که: بین سبک های تفکر اجرایی، قضاوت گر، جزئی نگر، آزاد اندیش، سلسله مراتبی و بیرونی با سازگاری آموزشی رابطه مثبت معنادار وجود دارد. تجزیه و تحلیل داده ها با روش رگرسیون چندگانه نیز نشان داد متغیر سن و سبک های تفکر قضاوت گر، آزاد اندیش و سلسله مراتبی به صورت مثبت و متغیر جنس و سبک های تفکر قانونی، الیگارش و آنارشی به صورت منفی پیش بین معنادار سازگاری آموزشی هستند. حدود ۱۹ درصد از واریانس سازگاری آموزشی از طریق این متغیرها قابل تبیین است.

**کلیدواژه ها:** سبک های تفکر، سازگاری آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوی، دانشجویان.

۱. این مقاله برگرفته از بخشی از رساله دکتری تخصصی در رشته روان شناسی تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن است.

۲. دانشجوی دکتری روان شناسی تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن،

گروه روان شناسی، رودهن، ایران. alizarei@iaukhoy.ac.ir

۳. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رودهن، گروه روان شناسی، رودهن، ایران. malekfd@yahoo.com

۴. دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رودهن، گروه روان شناسی، رودهن، ایران. hpssr@yahoo.com

5 - Sternberg, Zhaung & Wagner

6 - Baker & siryk

7- PhD student, Department of Psychology, Roudehen Branch, Islamic Azad University, Roudehen, Iran. (Corresponding author) (alizarei@iaukhoy.ac.ir)

8- Assistant Professor, Department of Psychology, Roudehen Branch, Islamic Azad University, Roudehen, Iran (malekfd@yahoo.com)

9- Associate Professor, Department of Psychology, Roudehen Branch, Islamic Azad University, Roudehen, Iran (hpssr@yahoo.com)

## مقدمه

(نقل از راینر<sup>۵</sup>، ۲۰۱۱). پس از آن، الگوهای مختلفی از سبک‌ها به ویژه در روان‌شناسی تربیتی پدیدار شدند. که از مهم ترین و شناخته شده ترین آنها می‌توان به سبک‌های شناختی<sup>۶</sup>، سبک‌های یادگیری<sup>۷</sup> و سبک‌های تفکر<sup>۸</sup> اشاره نمود. رابرت استرنبرگ در سال ۱۹۹۵ جدیدترین و جامع ترین نظریه سبک‌های تفکر را مطرح کرده است (زانگ، ۲۰۱۱). وی سبک‌های تفکر را شیوه‌های ترجیح داده شده افراد در یادگیری و استفاده از توانایی‌های خود می‌داند (کوفیلد، موسلی، هال و اکلستون<sup>۹</sup>، ۲۰۰۴). استرنبرگ در نظریه خود حکومتی ذهنی<sup>۱۰</sup> خویش معتقد است انواع شیوه‌های مختلف حکومتی که در جهان وجود دارد تصادفی نبوده بلکه انعکاس بیرونی افکار ذهنی افراد می‌باشد (شکری، خدایی، دانشورپور، طولایی و فولادوند، ۱۳۸۸). او بر این اساس و با استفاده از استعاره حکومت، ۱۳ سبک تفکر را مطرح می‌کند که به ۵ بعد قابل تفکیک هستند: (۱) کارکردها: شامل سبک‌های تفکر قانون گذار (خلاق بودن)، اجرایی (انجام تکالیف با توجه به دستورات داده شده)، قضاوت گر (ارزیابی افراد دیگر یا بازدهی‌ها)؛ (۲) شکل‌ها: شامل سبک‌های تفکر سلسله مراتبی (اولویت بندی تکالیف فردی)، مونارشی (کار روی یک تکلیف در یک زمان)، الیگارش (کار روی تکالیف چندگانه بدون الویت بندی)، آنارش (کار روی تکالیفی بدون محدودیت در باره "چه"، "کجا"، "کی" و "چگونه" انجام دادن کارها)؛ (۳) سطح‌ها: شامل سبک‌های تفکر کلی نگر (تمرکز بر تصویر کلی)، جزئی نگر (تمرکز بر جزئیات)؛ (۴) حوزه‌ها: شامل سبک‌های درونی (انجام تکالیف به تنهایی)، بیرونی (کار با دیگران)؛ و (۵) گرایش‌ها: شامل سبک‌های آزاداندیش (اتخاذ رویکردی بدیع نسبت به انجام تکالیف) و محافظه کار (استفاده از شیوه‌های سنتی در انجام تکالیف) (زانگ و استرنبرگ، ۲۰۰۹؛ استرنبرگ، ۱۹۹۷).

زانگ و استرنبرگ (۲۰۰۶) ۱۳ سبک تفکر را بر اساس معیارهایی هم چون پیچیدگی شناختی و غیره به

تحلیل تفاوت‌های فردی از جمله مباحث مهم و مورد علاقه در روان‌شناسی تربیتی بوده است (کانوگارسیا و هاگس<sup>۱</sup>، ۲۰۰۰). "در نخستین پژوهش‌ها، بیشتر نقش عوامل شناختی یا توانایی‌های فردی (هم چون هوش و حافظه) و صفات شخصیتی مورد توجه قرار می‌گرفت" (امامی پور و شمس اسفند آباد، ۱۳۸۶، ص. ۳). اما نتایج حاصل از این تحقیقات نشان داد که نه عوامل شناختی و نه عوامل شخصیتی و حتی نه ترکیبی از آنها به تنهایی نمی‌توانند همه تفاوت‌های فردی در عملکرد را توضیح دهند (زانگ و استرنبرگ، ۲۰۰۶). به همین جهت، در پژوهش‌های بعدی محققان نقش عوامل غیر شناختی هم چون سبک‌ها را مورد بررسی قرار دادند.

تمایز بین سبک‌ها با عوامل شناختی (یا توانایی‌ها) و صفات شخصیتی بسیار مهم و جدی است. میسک<sup>۲</sup> (۱۹۹۳) معتقد است که هم توانایی‌ها و هم سبک‌ها بر رفتار تأثیر می‌گذارند، اما تفاوت‌های اساسی بین این دو سازه وجود دارد. توانایی‌ها به "چقدر" مربوط می‌شوند و سبک‌ها به "چگونه". به بیان دیگر، "توانایی، یعنی آن چه فرد می‌تواند انجام دهد، در حالی که سبک اشاره به ترجیحی دارد که فرد برای استفاده از توانایی به کار می‌برد" (آپسینک<sup>۳</sup>، ۱۹۹۴، ترجمه خرازی، دولتی، رئیس قاسم و کمالی، ۱۳۸۳، ص. ۳۲۵). وی هم چنین معتقد است که سبک‌ها به عنوان یک سازه، پلی بین شخصیت و شناخت در تعلیم و تربیت محسوب می‌شوند. و هم سو با وی، استرنبرگ (۱۹۹۷) نیز اعتقاد دارد که سبک‌ها نه توانایی و نه شخصیت هستند، بلکه آنها فصل مشترک بین توانایی‌ها و شخصیت هستند. به نظر وی، "نکته مشترک تمام سبک‌ها، این است که آنها توانایی نیستند. بلکه رجحان‌هایی برای به کارگیری توانایی‌ها هستند" (نقل از ناظم، ۱۳۸۸، ص. ۱۲).

نخستین بار گوردن آلپورت<sup>۴</sup> (۱۹۳۷) با معرفی سبک‌های زندگی، به عنوان شیوه‌های متمایزی از رفتار کردن، اصطلاح سبک‌ها را در روان‌شناسی مطرح نمود

سن و سبک های تفکر دیده نشده است (زانگ، ۲۰۰۴؛ چیونگ<sup>۱۱</sup>، ۲۰۰۴، نقل از زانگ و استرنبرگ، ۲۰۰۶؛ رضوی و شیر، ۱۳۸۴). استرنبرگ و زانگ (۲۰۰۶) دلیل این کار را انتخاب دامنه سنی کم آزمودنی های این تحقیقات بیان کرده اند. چون که وقتی تغییرات سنی شرکت کنندگان کوچک باشد، شناسایی رابطه ها یا تفاوت ها بین این دو متغیر را با مشکل مواجه می سازد. در خصوص رابطه جنسیت با سبک های تفکر، نتایج اغلب تحقیقات بیانگر این است که سبک های تفکر در دو جنس متفاوت است (زانگ و ساچس<sup>۱۳</sup>، ۱۹۹۹؛ ای چیونگ<sup>۱۴</sup>، ۲۰۰۲، نقل از زانگ و استرنبرگ، ۲۰۰۶؛ زانگ، ۲۰۱۰a، ۲۰۱۱؛ شگری و همکاران، ۱۳۸۵؛ نظری فر، ابوالقاسمی نجف آبادی، کمالی و حسینی هفشجانی، ۱۳۸۹؛ رضوی و شیر، ۱۳۸۴؛ کیانی، ۱۳۸۲، نقل از ناظم، ۱۳۸۸؛ امامی پور و سیف، ۱۳۸۲).

پژوهش زانگ و پستی گلیونی<sup>۱۵</sup> (۲۰۰۱) در رابطه با سبک های تفکر و عزت نفس نشان داد که نوع اول سبک های تفکر با سطوح بالایی از عزت نفس و سبک های نوع دوم با سطوح پایینی از عزت نفس مرتبط هستند. هم چنین، شگری و همکاران (۱۳۸۸) نشان دادند که سبک های نوع اول به صورت مثبتی با نمرات گشودگی<sup>۱۶</sup> ارتباط دارند، اما با نمرات مقیاس روان آزردهی گرای<sup>۱۷</sup> ارتباط منفی دارند. در حالی که برای سبک های نوع دوم عکس این یافته به دست آمد. اغلب مطالعه های انجام شده در زمینه ارتباط سبک های تفکر با پیشرفت تحصیلی نشان می دهد که انواع مختلفی از سبک های تفکر به طور معنی داری در پیشرفت تحصیلی مشارکت دارند. و به طور کلی سبک تفکر سلسه مراتبی تقریباً در همه نظام های آموزشی ارزشمند است (گریکو رنکو و استرنبرگ، ۱۹۹۷؛ زانگ، ۲۰۰۹ و ۲۰۰۱؛ کانو گارسیا و هاگس، ۲۰۰۰؛ زانگ و استرنبرگ، ۲۰۰۹؛ امامی پور و سیف، ۱۳۸۲؛ شگری و همکاران، ۱۳۸۵؛ نظری فر و همکاران، ۱۳۸۹؛ رضوی و شیر، ۱۳۸۴).

سه نوع اصلی تقسیم بندی نموده اند: "سبک های نوع اول که شامل پنج سبک تفکر قانونی، قضاوت گر، سلسله مراتبی، کلی و آزاد اندیش است. این دسته از سبک ها مولد خلاقیت بوده و پیچیدگی شناختی زیادی دارند. سبک های تفکر نوع دوم فرد را به تبعیت از هنجارها رهنمون ساخته و سطوح پایین تری از پیچیدگی شناختی را در بر می گیرند و شامل سبک های تفکر اجرایی، جزئی نگر، مونارشی، محافظه کار هستند. و در نهایت سبک های تفکر نوع سوم شامل سبک های آنارشیست، الیگارشی، درونی و بیرونی هستند. این سبک ها با توجه به الزام های سبکی هر تکلیف خاص، می توانند ویژگی های سبک های نوع اول و دوم را نشان دهند" (نقل از شگری، کدیور، فرزاد و دانشور پور، ۱۳۸۵، ص. ۴۵).

استرنبرگ (۱۹۹۷) اعتقاد دارد که سبک های تفکر تا حدودی از اجتماع ناشی می شوند. او هفت عامل اجتماعی را که احتمالاً رشد سبک های تفکر را تحت تأثیر قرار می دهند، مطرح کرد. این هفت عامل عبارتند از: فرهنگ، جنسیت، سن، سبک والدینی، تربیت دینی، تحصیل و اشتغال. فرض زیربنایی این فرضیه این است که از ابتدا ما احساس می کنیم که شیوه های معینی از تعامل با دیگران پاداش دهنده تر از بقیه هستند. سبک های تفکر استرنبرگ علاقه پژوهشی قابل توجهی را در بین پژوهشگران کشورهای مختلف ایجاد کرده است. بر همین اساس تحقیقات متعددی پیرامون ارتباط سبک های تفکر با متغیرهای فردی مثل: سن، جنس و سازه های روانی و تحصیلی مختلف انجام گرفته است.

محققان دریافته اند که سبک های تفکر با سن افراد ارتباط دارد. به طوری که افراد مسن تر تمایل دارند نمرات بالاتری در سبک های تفکر نوع اول و سبک تفکر درونی کسب کنند (زانگ، ۲۰۰۴؛ زانگ و هی<sup>۱۱</sup>، ۲۰۰۳، نقل از زانگ و استرنبرگ، ۲۰۰۶؛ زانگ، ۲۰۱۰a، ۲۰۱۰b و ۲۰۱۱؛ برخوردارپور و سرمد، ۱۳۸۰؛ امامی پور و سیف، ۱۳۸۲). با این حال در بعضی از مطالعات رابطه معناداری بین

سازگاری در محیط های دانشگاهی، سازگاری آموزشی است. بیکر و سیریاک (۱۹۸۹) سازگاری با دانشگاه را به چهار نوع تقسیم بندی نموده اند: ۱- سازگاری آموزشی؛ ۲- سازگاری اجتماعی؛ ۳- سازگاری فردی \_ هیجانی؛ ۴- دل بستگی به محیط آموزشی. محققان مذکور سازگاری آموزشی را رضایت از محیط آموزشی و انجام فعالیت هایی می دانند که کارکرد مؤثر تحصیلی را افزایش می دهد هم چون برنامه ریزی، علاقه مندی به تحصیل، توجه درسی، شرکت در بحث ها و برنامه های دانشکده.

پژوهش هایی که در سال های اخیر در خصوص سازگار و ابعاد مختلف آن انجام شده است، نشان می دهد که سازگاری با بسیاری از متغیرهای روان شناختی ارتباط دارد. برای نمونه در تحقیق والاس<sup>۲۵</sup> (۲۰۰۱)، نقل از خدا پناهی و خاکسار بلداجی، (۱۳۸۴) معلوم شد که بین موفقیت تحصیلی و سازگاری روان شناختی رابطه وجود دارد. پژوهش دیوید سن<sup>۲۶</sup> و همکاران (۲۰۰۵) نشان داد که بین حمایت اجتماعی و رفتارهای سازش یافته دانش آموزان ارتباط معنادار وجود دارد (نقل از خدا پناهی و خاکسار بلداجی، ۱۳۸۴). تجلی و اردلان (۱۳۸۹، ص. ۶۲) رابطه ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده با خودکارآمدی و سازگاری تحصیلی با روش تحلیل مسیر مطالعه نمودند و دریافتند الگوهای ارتباطی خانواده علاوه بر این که به طور مستقل به ارتقاء سازگاری تحصیلی در آنان کمک می نماید، هم چنین به واسطه خودکارآمدی نیز سازگاری آنها را افزایش می دهد. در پژوهشی دیگر، مونرو<sup>۲۷</sup> و پولی<sup>۲۸</sup> (۲۰۰۹) تفاوت ها در انعطاف پذیری و سازگاری دانشگاهی را بررسی کردند و به این نتیجه دست یافتند که تفاوت های فردی در سازگاری با دانشگاه مهم تر از تفاوت های گروهی هستند. در پژوهش مشابه دیگر، یازدی جیان<sup>۲۹</sup> و تائوز<sup>۳۰</sup> (۲۰۰۶) به بررسی پیش بینی کننده های سازگاری دانشکده در بین دانشجویان اسپانیایی پرداختند. در تحقیق آنها عوامل فردی هم چون عزت نفس، فرهنگ پذیری، هویت قومی و عوامل بین فردی هم چون سواد والدین، دل بستگی به والدین

زانگ و استرنبرگ (۲۰۰۶) فرض می کنند که سبک هایی که سازگارانه تر هستند، باید به صورت مثبتی در رشد بهزیستی روان شناختی مؤثر باشند. برای مثال اغلب مطالعات موجود پیشنهاد می کنند که سبک های ذهنی معلمان در بهزیستی روان شناختی آنان واجد اهمیت است. افزون بر این، تحقیقات نشان می دهند که بعضی از سبک های ذهنی، در مقایسه با سایر سبک های متضاد خود، موجب توسعه بهزیستی روان شناختی سالم تر می شوند. برای مثال چن<sup>۱۸</sup> و زانگ (۲۰۰۹) نشان دادند که سبک های تفکر نوع اول با سلامت روانی کلی رابطه دارند (نقل از زانگ، ۲۰۱۱). از سوی دیگر زانگ (۲۰۰۹) طی پژوهشی دریافت که سبک های تفکر نوع اول رابطه منفی و سبک های نوع دوم رابطه مثبتی با اضطراب دارند.

با توجه به نتایج تحقیقات فوق، یکی از عوامل مهمی که به نظر می رسد با سبک های تفکر دانشجویان رابطه داشته باشد و تا به حال مورد مطالعه قرار نگرفته است، سازگاری و به ویژه سازگاری آموزشی<sup>۱۹</sup> است. سازگاری در اصل از علم زیست شناسی ناشی شده است. نخستین بار، داروین<sup>۲۰</sup> (۱۸۸۵) آن را در نظریه تکامل خود مطرح نمود، سپس این مفهوم در علوم دیگر هم چون روانشناسی و جامعه شناسی مورد استفاد قرار گرفت (یالیم<sup>۲۱</sup>، ۲۰۰۷). "در روان شناسی، سازگاری فرایندی کم و بیش آگاهانه فرض می شود که بر پایه ی آن فرد با محیط اجتماعی، طبیعی یا فرهنگی انطباق می یابد" (بنکداری، ۱۳۸۴، ص. ۱۲). این انطباق مستلزم آن است که فرد خود را تغییر داده یا این که فعالانه تغییراتی در محیط ایجاد نماید و در نتیجه هماهنگی لازم بین فرد و محیط ایجاد شود. چاپلین<sup>۲۲</sup> (۱۹۸۵) سازگاری را تغییر در فعالیت ها به منظور فائق آمدن بر موانع و ارضای نیازهای خود تعریف می کند. به نظر وی، فرد در حالت سازگاری نقش فعال تری در موقعیت ایفا می کند. به همین دلیل سازگاری از مفاهیم سازش، انطباق<sup>۲۳</sup> و هم نوایی<sup>۲۴</sup> تفاوت دارد. سازگاری دارای ابعاد مختلف اجتماعی، روان شناختی، هیجانی و غیره است. یکی از ابعاد اصلی

### جامعه، نمونه و روش نمونه گیری

جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان دوره های کاردانی و کارشناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوی در نیم سال دوم سال تحصیلی ۱۳۸۹-۱۳۹۰ به تعداد ۴۶۵۰ نفر است. حجم نمونه شامل ۵۸۱ (۲۷۹ دختر و ۲۹۸ پسر و چهار نفر نامشخص) با میانگین سنی ۲۴/۳۸ سال بود که از طریق فرمول حجم نمونه برای مطالعات چند متغیره رگرسیون  $(n \leq 50 + 8.k)$  تا باچینک<sup>۳۲</sup> و فیدل<sup>۳۳</sup> (۲۰۰۷) محاسبه شده بود. روش نمونه گیری از نوع طبقه ای تصادفی بود.

### ابزار

برای جمع آوری داده ها از دو پرسش نامه استاندارد شده استفاده شد: ۱- فرم کوتاه و تجدید نظر شده پرسش نامه سبک های تفکر استرنبرگ، واگنر<sup>۳۴</sup> و زانگ (۲۰۰۷) - TSI-R2<sup>۳۵</sup>: این پرسش نامه دارای ۶۵ گویه بوده و ۱۳ سبک تفکر را اندازه می گیرد و به طور مساوی برای هر سبک تفکر پنج گویه در نظر گرفته شده است. پرسش نامه مذکور در مقیاس لیکرت تهیه شده و شرکت کنندگان باید پاسخ خود را در یک طیف هفت گزینه ای مشخص کنند. بررسی های انجام شده، روایی پرسش نامه را در بین دانشجویان ایرانی و فرهنگ های مختلف مورد تایید قرار داده است (فرزاد، کدیور، شکری و دانشور پور، ۱۳۸۶؛ معنوی پور و خراسانی، ۱۳۸۴؛ فتح الهی و هومن، ۱۳۸۴ و زانگ و استرنبرگ، ۲۰۰۹). در مورد اعتبار آن، زانگ ضرایب آلفای کرونباخ برای ۱۳ سبک را از ۰/۵۰ تا ۰/۸۰ گزارش نموده است. شکری و همکاران (۱۳۸۵) نیز ضرایب آلفای کرونباخ برای انواع سبک های تفکر را در نمونه ایرانی از ۰/۵۳ تا ۰/۸۵ گزارش کرده اند. در تحقیق حاضر، آلفای کرونباخ به دست آمده برای خرده مقیاس های این پرسش نامه بدین ترتیب بود: سبک تفکر قانونی ۰/۵۶۴، اجرایی ۰/۶۱۹، قضاوت گر ۰/۶۸۶، کلی ۰/۵۲۰، جزیی نگر ۰/۶۷۲، آزاد اندیش ۰/۷۶۶، محافظه کار ۰/۵۷۵، سلسله - مراتبی ۰/۶۵۰، مونارشی ۰/۶۰۲، الیگارشی ۰/۶۹۰، آنارشی ۰/۵۴۳، درونی ۰/۵۲۵، بیرونی ۰/۷۷۹. هم چنین اعتبار

مورد مطالعه قرار گرفتند. نتایج بیانگر این بود که متغیرهای فردی و بین فردی دانشجویان پیش بینی کننده سازگاری کلی دانشکده در طول سال اول هستند.

عبدالله، الیاس، ماهودین و یولی<sup>۳۱</sup> (۲۰۰۹) سازگاری دانشجویان سال اول و تأثیر آن بر پیشرفت تحصیلی را در دانشگاه دولتی مالزی مطالعه کردند. نتایج حاکی از آن بود که در طول یک ترم، پیشرفت تحصیلی دانشجویان به طور معناداری از طریق سازگاری کلی دانشکده  $(p < 0/001)$ ،  $(r = 0/47)$  سازگاری آموزشی  $(p < 0/001)$ ،  $(r = 0/52)$  و سازگاری فردی - هیجانی  $(p < 0/01)$ ،  $(r = 0/35)$  پیش بینی شد. ۳۲ درصد از این واریانس پیشرفت تحصیلی توسط سازگاری قابل تبیین است. در مطالعات دیگر نشان داده شده است، سطوح مختلف سازگاری با هویت پیشرفته در دانش آموزان (احمدی، ۱۳۸۹) و سازگاری آموزشی با سبک های هویتی و جنسیت (میکائیلی منیع، ۱۳۸۹) و سازش یافتگی با تحول اخلاقی (خادمی، کتبیائی و دلاور، ۱۳۸۸) رابطه وجود دارد.

همان گونه که ملاحظه می شود مرور ادبیات پژوهش در زمینه سبک های تفکر و سازگاری حاکی از آن است که هر چند ارتباط متغیرهای روان شناختی مختلف با این دو سازه مورد مطالعه قرار گرفته است اما در خصوص رابطه این دو سازه اصلی با یک دیگر پژوهشی انجام نگرفته است. لذا هدف و منظور اصلی تحقیق حاضر بررسی ارتباط انواع سبک های تفکر با سازگاری آموزشی است. و در این راستا پاسخ به این دو سوال اصلی را مدنظر قرار خواهد داد که ۱- آیا سبک های تفکر با سازگاری آموزشی ارتباط دارند و ۲- کدام سبک های تفکر در پیش بینی سازگاری آموزشی نقش دارند؟

### روش

روش تحقیق از نوع همبستگی با هدف پیش بینی بود.

بین دانشجویان دانشگاه ارومیه انجام شده بود مساوی ۰/۸۴ به دست آمده است. در پژوهش حاضر نیز آلفای کرونباخ برابر ۰/۸۳۴ بدست آمد. هم چنین اعتبار پرسش نامه از طریق روش بازآزمایی در یک نمونه در دسترس با ۴۵ نفر برابر ۰/۸۶۱ شد که ضریب بسیار قابل قبولی است. در مجموع بر اساس مطالعات گزارش شده قبلی که مطرح شدند و نتایج بدست آمده در تحقیق حاضر که با دو روش آلفای کرونباخ و روش بازآزمایی محاسبه شدند روایی و اعتبار هر دو پرسش نامه تایید می شود.

#### یافته ها

در این قسمت، نخست اطلاعات توصیفی مربوط به نمونه تحقیق ارائه می شود. سپس از طریق روش رگرسیون میزان پیش بینی کنندگی جنسیت، سن و سبک های تفکر بر سازگاری آموزشی آزمون می شود. در جدول زیر شاخص های آمار توصیفی متغیرهای تحقیق شامل میانگین و انحراف معیار در کل نمونه و به تفکیک جنسیت ارائه شده است.

جدول ۱: میانگین و انحراف معیار متغیرهای تحقیق به تفکیک جنسیت

| متغیر                 | میانگین (انحراف معیار) |                |                |
|-----------------------|------------------------|----------------|----------------|
|                       | دختران                 | پسران          | کل             |
| سن                    | (۵/۲۹۷) ۲۳/۴۲۱         | (۶/۷۰۰) ۲۵/۲۴۹ | (۶/۱۳۸) ۲۴/۳۸۱ |
| سازگاری تحصیلی        | (۰/۷۳۰) ۵/۰۰۶          | (۰/۷۶۵) ۴/۸۵۶  | (۰/۷۹۸) ۴/۹۸۵  |
| سبک تفکر قانونی       | (۰/۹۴۴) ۵/۰۰۵          | (۰/۹۶۹) ۵/۰۸۲  | (۰/۹۶۰) ۵/۰۵۳  |
| سبک تفکر اجرایی       | (۰/۸۳۹) ۵/۴۵۸          | (۰/۹۱۰) ۵/۵۴۰  | (۰/۸۷۰) ۵/۵۱۴  |
| سبک تفکر قضاوت گر     | (۱/۰۲۹) ۴/۹۲۲          | (۰/۹۴۹) ۵/۱۴۰  | (۰/۹۸۹) ۵/۰۳۳  |
| سبک تفکر کلی نگر      | (۰/۸۹۵) ۴/۵۱۷          | (۰/۹۷۲) ۴/۶۴۲  | (۰/۹۳۳) ۴/۵۹۶  |
| سبک تفکر جزئی نگر     | (۱/۰۸۳) ۴/۶۸۲          | (۱/۰۳۴) ۴/۹۴۱  | (۱/۰۶۸) ۴/۸۱۶  |
| سبک تفکر آزاداندیش    | (۱/۰۵۰) ۵/۲۹۱          | (۱/۰۳۷) ۵/۴۳۱  | (۱/۰۴۶) ۵/۳۵۹  |
| سبک تفکر محافظه کار   | (۰/۹۰۷) ۴/۶۶۵          | (۱/۰۱۵) ۴/۷۷۳  | (۰/۹۵۹) ۴/۷۳۸  |
| سبک تفکر سلسله مراتبی | (۰/۹۱۰) ۵/۱۴۱          | (۰/۹۷۴) ۵/۱۸۶  | (۰/۹۳۷) ۵/۱۶۳  |
| سبک تفکر مونارشی      | (۱/۰۰۴) ۵/۰۳۴          | (۱/۰۱۶) ۵/۱۰۹  | (۱/۰۱۳) ۵/۰۶۶  |
| سبک تفکر الیگارش      | (۱/۰۷۴) ۴/۷۱۰          | (۱/۰۳۱) ۴/۸۱۷  | (۱/۰۵۳) ۴/۷۶۶  |
| سبک تفکر آنارشی       | (۰/۹۹۰) ۴/۰۰۲          | (۱/۰۸۷) ۴/۱۰۵  | (۱/۰۴۹) ۴/۰۵۴  |
| سبک تفکر درونی        | (۱/۰۳۸) ۴/۰۹۵          | (۱/۲۰۲) ۴/۴۰۵  | (۱/۱۳۶) ۴/۲۷۲  |
| سبک تفکر بیرونی       | (۱/۰۸۶) ۵/۳۲۸          | (۱/۱۵۵) ۵/۳۱۰  | (۱/۱۲۰) ۵/۳۲۹  |

(پایایی) پرسش نامه از طریق روش بازآزمایی نیز در یک نمونه در دسترس به تعداد ۴۵ نفر محاسبه شد. میانگین ضرایب اعتبار برای همه خرده مقیاس ها برابر ۰/۶۰ شد.

۲- پرسش نامه سازگاری تحصیلی: برای تعیین میزان سازگاری آموزشی از خرده مقیاس پرسش نامه سازگاری با دانشگاه (S.A.C.Q) بیکر و سریاک که دارای ۲۴ گویه می باشد، استفاده شد. مقیاس مذکور "موفقیت دانشجویان را در برآوردن نیازهای آموزشی دانشگاه می سنجد" (روشنایی، ۱۳۸۹، ص. ۲۷). نمره آزمودنی در این مقیاس بین ۲۴ تا ۱۶۸ قرار می گیرد. نمرات بالاتر نشانگر سازگاری بیشتر می باشد (بیکر و سریاک، ۱۹۸۹). ویژگی های روانسنجی (S.A.C.Q) در مطالعات متعدد بررسی و تایید شده است (والر<sup>۳۷</sup>، ۲۰۰۹). برای نمونه، ماتانه، هن کوک و براند<sup>۳۸</sup> (۲۰۰۴) و بیرز و گوسنر<sup>۳۹</sup> (۲۰۰۲) بیان نمودند که S.A.C.Q از روایی سازه در بین دانشجویان با زمینه های مختلف فرهنگی برخوردار است. در مطالعه بیکر و سریاک (۱۹۸۹) ضریب آلفای کرونباخ برای همه خرده مقیاس ها بالای ۰/۸۰ بود. در پژوهش میکائیلی منیع (۱۳۸۹) که در

تعیین میزان ارتباط انواع سبک های تفکر با سازگاری تحصیلی از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج این آزمون در کل نمونه و به تفکیک جنسیت در جدول پایین آورده شده است.

داده های جدول فوق بیانگر این است که میانگین سازگاری تحصیلی در کل نمونه مساوی ۴/۹۵ است. از بین ۱۳ سبک تفکر، سبک تفکر اجرایی با میانگین ۵/۵۱۴ دارای بیشترین مقدار و سبک تفکر آناارشی با میانگین ۴/۰۵۴۶ از کمترین میزان برخوردار است. برای

جدول ۲: ضرایب همبستگی بین سبک های تفکر و سازگاری آموزشی بر حسب جنسیت

| سازگاری تحصیلی |               |                | سبک                   |
|----------------|---------------|----------------|-----------------------|
| کل (n=۵۷۱)     | پسران (n=۲۹۴) | دختران (n=۲۷۷) |                       |
| ۰/۰۵۲          | -۰/۰۲۹        | *۰/۱۲۳         | سبک تفکر قانونی       |
| **۰/۱۳۴        | *۰/۱۴۴        | **۰/۲۰۲        | سبک تفکر اجرایی       |
| **۰/۲۸۶        | **۰/۲۵۴       | **۰/۳۱۴        | سبک تفکر قضاوت گر     |
| ۰/۰۲۵          | ۰/۰۵۷         | ۰/۰۴۴          | سبک تفکر کلی نگر      |
| **۰/۱۶۵        | *۰/۱۴۴        | **۰/۱۶۸        | سبک تفکر جزئی نگر     |
| **۰/۲۹۳        | **۰/۲۵۲       | **۰/۳۵۵        | سبک تفکر آزاداندیش    |
| /۰۳۹           | *۰/۱۵۵        | -۰/۰۵۱         | سبک تفکر محافظه کار   |
| **۰/۳۲۸        | **۰/۲۸۵       | **۰/۳۲۴        | سبک تفکر سلسله مراتبی |
| ۰/۰۹۶          | *۰/۱۶۱        | ۰/۰۹۷          | سبک تفکر موناارشی     |
| -۰/۰۱۵         | ۰/۰۸۳         | -۰/۰۹۸         | سبک تفکر الیگارشی     |
| -۰/۰۸۳         | -۰/۰۳۳        | *-۰/۱۲۰        | سبک تفکر آناارشی      |
| -۰/۰۱۳         | ۰/۰۰۴         | ۰/۰۶۴          | سبک تفکر درونی        |
| **۰/۱۹۸        | **۰/۲۰۸       | *۰/۱۴۶         | سبک تفکر بیرونی       |

\*p</05

\*\*p</01

سازگاری آموزشی رابطه مثبت و معناداری در بین دانشجویان پسر دارند.

به منظور تعیین میزان پیش بینی کنندگی متغیرهای سن، جنس و سبک های تفکر (متغیرهای پیش بین) در مورد سازگاری آموزشی (متغیر ملاک) از تحلیل رگرسیون چندگانه به روش همزمان (اینتر) استفاده شد. نتایج حاکی از معنادار بودن مدل بود.

بر اساس نتایج فوق، سازگاری تحصیلی با سبک های تفکر اجرایی، قضاوت گر، جزئی نگر، آزاداندیش، سلسله مراتبی و بیرونی در کل نمونه، رابطه مثبت و معنادار دارد. در حالی که سبک تفکر قانونی رابطه مثبت و سبک آناارشی رابطه منفی و معنادار با سازگاری آموزشی فقط در بین دانشجویان دختر دارند. از سوی دیگر سبک های تفکر محافظه کار و موناارشی با

(f = ۹/۶۲۶, df= ۱۵-۵۲۹ p=۰/۰۰۱ ; S.E= ۰/۶۷۷ , مجذور آر تنظیم شده = ۰/۱۹۲ , مجذور آر = ۰/۲۱۴ , R=۰/۴۶۳)

بر اساس مدل، ۱۹/۲ درصد از واریانس سازگاری آموزشی بر اساس متغیرهای فردی جنسیت، سن و انواع سبک های تفکر دانشجویان تبیین می شود. در جدول زیر ضرایب مربوط به متغیرهای پیش بین که به نحو معناداری در پیش بینی سازگاری آموزشی نقش دارند، ارائه شده است.

جدول ۳: خلاصه ضرایب رگرسیون پیش بینی سازگاری آموزشی از طریق جنس، سن و سبک های تفکر

| متغیر                 | B      | SEB   | $\beta$ | t      | sig   |
|-----------------------|--------|-------|---------|--------|-------|
| مقدار ثابت            | ۳/۴۷۰  | ۰/۲۸۰ |         | ۱۲/۳۷۳ | ۰/۰۰۰ |
| جنسیت                 | -۰/۲۱۲ | ۰/۰۶۰ | -۰/۱۴۱  | -۳/۵۲۷ | ۰/۰۰۰ |
| سن                    | ۰/۰۱۶  | ۰/۰۰۵ | ۰/۱۳۴   | ۳/۳۴۷  | ۰/۰۰۱ |
| سبک تفکر قانونی       | -۰/۰۹۶ | ۰/۰۳۹ | -۰/۱۲۳  | -۲/۴۷۴ | ۰/۰۱۴ |
| سبک تفکر قضاوت گر     | ۰/۱۲۳  | ۰/۰۴۴ | ۰/۱۶۰   | ۲/۷۶۷  | ۰/۰۰۶ |
| سبک تفکر آزاد اندیش   | ۰/۱۵۱  | ۰/۰۳۹ | ۰/۲۱۰   | ۳/۸۲۰  | ۰/۰۰۰ |
| سبک تفکر سلسله مراتبی | ۰/۱۳۷  | ۰/۰۴۰ | ۰/۱۷۳   | ۳/۴۳۶  | ۰/۰۰۱ |
| سبک تفکر الیگارش      | -۰/۰۹۱ | ۰/۰۳۵ | -۰/۱۲۶  | -۲/۶۰۷ | ۰/۰۰۹ |
| سبک تفکر آنارش        | -۰/۰۸۴ | ۰/۰۳۵ | -۰/۱۱۴  | -۲/۴۱۷ | ۰/۰۱۶ |

همان طور که از داده های جدول فوق مشاهده می شود، متغیرهای سن و سبک های تفکر قضاوت گر، آزاد اندیش و سلسله مراتبی به صورت مثبت در پیش بینی سازگاری آموزشی نقش دارند. ولی متغیر جنسیت و سبک های تفکر قانونی، الیگارش و آنارش به شکل منفی در پیش بینی سازگاری آموزشی مؤثرند. متغیرهایی که سطح معناداری قابل قبولی نداشته و از مدل حذف شده اند عبارتند از: سبک اجرایی (۰/۰۲۵) =  $\beta$ ،  $\beta = ۰/۶۱۸$ ،  $\text{sig} = ۰/۶۱۸$ ، سبک کل نگر (۰/۰۲۳) =  $\beta$ ،  $\beta = ۰/۶۱۰$ ،  $\text{sig} = ۰/۶۱۰$ ، سبک جزئی نگر (۰/۰۲۰) =  $\beta$ ،  $\beta = ۰/۷۰۵$ ،  $\text{sig} = ۰/۷۰۵$ ، سبک محافظه کار (۰/۰۴۵) =  $\beta$ ،  $\beta = ۰/۳۵۷$ ،  $\text{sig} = ۰/۳۵۷$ ، سبک مونارشی (۰/۰۲۳) =  $\beta$ ،  $\text{sig} = ۰/۶۱۶$ ، سبک درونی (۰/۰۰۷) =  $\beta$ ،  $\text{sig} = ۰/۸۹۹$ ، و سبک بیرونی (۰/۰۷۹) =  $\beta$ ،  $\text{sig} = ۰/۱۵۹$ .

سرانجام، با توجه به اطلاعات جدول ۳ و ضرایب بتای به دست آمده در مرحله نهایی تحلیل رگرسیون می توان معادله رگرسیون را بر اساس ضرایب رگرسیون استاندارد شده (ستون بتا) به صورت زیر تدوین کرد:

$$y = ۳/۴۷۰ - ۰/۱۴۱(\text{جنسیت}) + ۰/۱۳۴(\text{سن}) - ۰/۱۲۳(\text{سبک قانونی}) + ۰/۱۶۰(\text{سبک قضاوت گر}) + ۰/۲۱۰(\text{سبک آزاداندیش}) + ۰/۱۳۷(\text{سبک تفکر سلسله مراتبی}) - ۰/۰۹۱(\text{سبک الیگارش}) - ۰/۱۱۴(\text{سبک آنارش}) - ۰/۰۸۴(\text{سبک تفکر آنارش})$$

معنادار دارند. و هم چنین مشخص شد که بر اساس سبک های تفکر می توان سازگاری آموزشی دانشجویان را پیش بینی نمود. در ادامه ضمن بیان دقیق یافته های حاصل از پژوهش، تبیین های لازم از لحاظ نظری و تجربی ارائه می شود. ضمناً با توجه به این که در ادبیات

### بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف تعیین ارتباط و میزان پیش بینی کنندگی سبک های تفکر بر سازگاری آموزشی انجام شد. به طور کلی نتایج پژوهش نشان داد که تعدادی از سبک های تفکر با سازگاری آموزشی رابطه



دلیل این افراد نقاط قوت و ضعف خود را شناسایی کرده و اجازه نمی دهند این مسائل مشکلی در سازگاری آنان به وجود آورد. افراد دارای سبک سلسله مراتبی نیز چون می توانند کارها و تکالیف دانشگاهی را اولویت بندی نموده و چندین پروژه درسی را در یک زمان معین انجام دهند (استرنبرگ، ۱۹۹۷). بنابر این منطقی است که مشکلات تحصیلی کمتری داشته و از طرف دیگر سازگاری بالایی داشته باشند. و نکته اساسی در توضیح رابطه این سبک با سازگاری آموزشی این است که زانگ و استرنبرگ (۲۰۰۶) بیان داشته اند این سبک تفکر در همه مطالعات انجام شده در کشورهای مختلف ارزشمند شناخته شده است.

افراد با سبک تفکر بیرونی متمایل به انجام دادن کارها به صورت گروهی هستند (کوفیلد و همکاران، ۲۰۰۴) و به همین جهت حمایت های گروهی موجب تعدیل مشکلات دانشگاهی شده و موجب سازگاری بیشتر در آنان می شود (دیوید سن و همکاران، ۲۰۰۵، نقل از خدا پناهی و خاکسار بلداجی، ۱۳۸۴). و در مقابل ملاحظه می شود رابطه سازگاری تحصیلی در دانشجویان دارای سبک درونی معنی دار نیست. در سبک آزاد اندیش افراد ترجیح می دهند تکالیف را به روش های نوین انجام دهند (شکری و همکاران، ۱۳۸۸). به نظر می رسد استفاده از روش های جدیدتر در قیاس با روش های قدیمی تر، کارایی بهتری دارد به همین دلیل سازگاری تحصیلی در دانشجویان دارای این سبک بیشتر است. سبک محافظه کار و موناشری رابطه مثبت و معنی داری با سازگاری آموزشی در بین دانشجویان پسر نشان داد در حالی که این رابطه در بین دانشجویان دختر معنی دار نیست. از سوی دیگر سبک آناشری در بین دانشجویان دختر رابطه منفی و معنی داری با سازگاری آموزشی دارد اما در بین پسران این رابطه معنی دار نیست. این نتایج از لحاظ تجربی با پژوهش های پیشین مطابقت دارد (برای نمونه: زانگ و

پژوهشی، تحقیق مشابهی که رابطه سازگاری آموزشی را با سبک های تفکر مطالعه کند، مشاهده نگردید به همین جهت، مطابقت دادن کامل نتایج این تحقیق با پژوهش های قبلی امکان پذیر نمی باشد. ولی در هر حال سعی شده است که نتایج حاصل به صورت غیرمستقیم و یا از طریق بخشی از یافته های تحقیقات قبلی مقایسه و تبیین شود.

سبک قانونی در بین دانشجویان دختر رابطه مثبت و معناداری با سازگاری آموزشی دارد اما این رابطه در بین دانشجویان پسر منفی و غیر معنی دار است. این یافته با نتایج حاصل از پژوهش امامی پور و سیف (۱۳۸۲) مطابقت دارد. در تحقیق وی مشخص شد سبک تفکر قانونی در دختران بیشتر از پسران است. اما با این وجود، یافته حاضر با نتایج بدست آمده از اغلب تحقیقات پیشین هم سویی ندارد (ای چیونگ، ۲۰۰۲، نقل از زانگ و استرنبرگ، ۲۰۰۶؛ کیانی، ۱۳۸۲، نقل از ناظم، ۱۳۸۸). در توجیه این ناهمخوانی، استرنبرگ و زانگ (۲۰۰۶) معتقدند این یافته ها نشانگر تاثیرات اجتماع بر سبک های تفکر است. از لحاظ سنتی، سبک قانونی در مردان بیشتر از زنان قابل پذیرش است. فرض شده است که مردان قانون گذاری کنند و زنان اطاعت کنند. اما این طرز فکر در حال تغییر است.

سبک های تفکر اجرایی، قضاوت گر، جزئی نگر، آزاد اندیش، سلسله مراتبی و بیرونی در هر دو جنس رابطه مثبت و معناداری را با سازگاری آموزشی نشان دادند. افراد دارای سبک تفکر اجرایی دوست دارند تکالیف و کارها را با توجه به دستورات داده شده، انجام دهند (استرنبرگ، ۱۹۹۷). دانشجویی که دارای این سبک است تکالیف درسی خود را انجام داده و بالطبع با چالشی در این زمینه مواجه نبوده و سازگاری خوبی خواهد داشت. در سبک تفکر قضاوت گر افراد دوست دارند فعالیت ها و کارهای خود و دیگران را مورد ارزیابی قرار دهند (زانگ و استرنبرگ، ۲۰۰۹) به همین

نمود که سبک‌های تفکر به توانند در پیش‌بینی سازگاری آموزشی نقش داشته باشند.

با توجه به نتایج به دست آمده از این پژوهش، به مشاوران مراکز دانشگاهی و مربیان تربیتی پیشنهاد می‌شود جهت افزایش میزان سازگاری آموزشی دانشجویان، سبک‌های تفکر آنان را مورد توجه قرار دهند. اصلی‌ترین محدودیت پژوهش حاضر استفاده از روش همبستگی و رگرسیون بود. لذا به محققان بعدی پیشنهاد می‌شود با استفاده از روش آزمایشی، رابطه علت و معلولی بین این دو سازه را مشخص سازند.

#### یادداشت‌ها

1. Cano-Garcia & Hughes
2. Messick
3. Eysenck
4. Allport
5. Rayner
6. cognitive styles
7. learning styles
8. thinking styles
9. Coffield, Moseley, Hall & Eccleston
10. mental self-government theory
11. He
12. Cheung
13. Saches
14. Cheung
15. Postiglione
16. openness
17. neototicism
18. Chen
19. educational adjustment
20. Darwin
21. Yalim
22. Chaplin
23. conformity
24. accomodation
25. Valas
26. Davidson
27. Munro
28. Pooly
29. Yazedjian
30. Toews
31. Abdullah, Elias, Mahyuddin & Uli
32. Tabuchnick
33. Fidell
34. Wagner
35. thinking styles inventory—revised II (TSI-R2)

ساجس، ۱۹۹۹ و ای چيونگ، ۲۰۰۲، نقل از زانگ و استرنبرگ، ۲۰۰۶؛ شکری و همکاران، ۱۳۸۵) و از لحاظ نظری، زانگ و استرنبرگ (۲۰۰۶) معتقدند هرچند نتایج به دست آمده در پژوهش‌های مختلف با بی‌نظمی‌هایی همراه بوده با این وجود جنسیت عامل بسیار مهمی در سبک‌های تفکر است. بر اساس شواهد عقلی نیز این عقیده قابل باور است.

یافته اصلی دیگر این پژوهش نشان داد که سازگاری آموزشی از طریق متغیرهای سن، جنسیت و سبک‌های تفکر قانونی، قضاوت گر، آزاداندیش، سلسله مراتبی، الیگارشسی و آنارشسی قابل پیش‌بینی است. تحقیقات پیشین نشان دادند که سبک‌های تفکر در پیشرفت تحصیلی مشارکت دارند (استرنبرگ و گریکو رنکو، ۱۹۹۷؛ زانگ، ۲۰۰۹؛ زانگ، ۲۰۰۱؛ سان، ۲۰۰۰، نقل از زانگ و استرنبرگ، ۲۰۰۶؛ زانگ و استرنبرگ، ۲۰۰۹؛ کانو گارسیا و هاگس، ۲۰۰۰؛ امامی پور و سیف، ۱۳۸۲؛ رضوی و شیرینی، ۱۳۸۴؛ شکری و همکاران، ۱۳۸۵؛ نظری فر و همکاران، ۱۳۸۹). و هم چنین در مطالعات دیگری مشخص شده است که سبک‌های تفکر با سلامت روانی کلی (چن و زانگ، ۲۰۰۹، نقل از زانگ، ۲۰۱۱) ارتباط مثبت و با اضطراب (زانگ، ۲۰۰۹) رابطه منفی دارند. از سوی دیگر مشخص شده است که به وسیله سازگاری آموزشی می‌توان بخش معنی‌داری از واریانس پیشرفت تحصیلی را تبیین نمود (عبدا.. و همکاران، ۲۰۰۹). افزون بر این، نتیجه تحقیقات قبلی حاکی از این است که متغیرهای فردی (یازدی جیان و تائوز، ۲۰۰۶) و عزت نفس (زانگ و پستی گلونی، ۲۰۰۱) صفات شخصیتی (زانگ، ۲۰۰۶، ۲۰۰۱ و شکری و همکاران، ۱۳۸۵) هویت (احمدی، ۱۳۸۹ و میکائیلی منیع، ۱۳۸۹) و خودکارآمدی (تجلی و اردلان، ۱۳۸۹) در سازگاری مؤثرند. لذا با قرار دادن نتایج حاصل از دو محور پژوهشی فوق می‌توان به صورت منطقی استنباط

خداپناهی، م.، و خاکسار بلداجی، م. (۱۳۸۴). *رابطه جهت گیری مذهبی و سازگاری روان شناختی در دانشجویان*. مجله روانشناسی، ۳۵، ۳۱۱-۳۲۰.

رضوی، ع.، و شیرینی، ا. (۱۳۸۴). *بررسی تطبیقی رابطه بین سبک های تفکر دختران و پسران دبیرستان با پیشرفت تحصیلی آنان*. فصلنامه نوآوری های آموزشی، ۱۲، ۸۶-۱۰۸. شکری، ا.، خدایی، ع.، دانشورپور، ز.، طولایی، س.، و فولادوند، خ. (۱۳۸۸). *کاربرد پدیدری نظریه خودمدیریتی روانی استرنبرگ در موقعیت های تحصیلی: سبک های تفکر و پنج رگه بزرگ شخصیتی*. مجله علوم رفتاری، ۳(۴)، ۲۸۶-۲۷۹.

شکری، ا.، کدیور، پ.، فرزاد، و. و دانشور پور، ز. (۱۳۸۵). *رابطه سبک های تفکر و رویکردهای یادگیری با پیشرفت تحصیلی دانشجویان*. تازه های علوم شناختی، ۸(۲)، ۴۴-۵۲. فتح الهی، ع. ا.، و هومن، ح. ع. (۱۳۸۴). *بررسی عملی بودن، اعتبار، روایی و نرم یابی مقیاس سنجش سبک های تفکر استرنبرگ - واگنر برای مدیران موسسات آموزش عالی تهران*. فصلنامه روانشناسی و علوم تربیتی، ۱۲۲، ۹۳-۹۴. فرزاد، و.، کدیور، پ.، شکری، ا.، و دانشور پور، ز. (۱۳۸۶). *بررسی تحلیل عاملی تاییدی و همسانی درونی پرسش نامه سبک های تفکر (فرم کوتاه) در دانشجویان*. فصلنامه روانشناسی دانشگاه تبریز، ۶، ۸۳-۱۱۰.

معنوی پور، د.، و خراسانی، ب. (۱۳۸۴). *اعتبار، روایی و هنجاریابی پرسش نامه سبک های تفکر در دانشجویان*. فصلنامه اندیشه های تازه در علوم تربیتی، ۱(۱)، ۱۰۳-۸۷. میکائیلی منبع، ف. (۱۳۸۹). *رابطه سبک های هویت، تعهد هویت و جنسیت با سازگاری دانشجویان با دانشگاه*. فصلنامه مطالعات روان شناختی دانشگاه الزهراء، ۶(۲)، ۴۲-۲۵. ناظم، ف. (۱۳۸۸). *سبک تفکر مدیران و مولفه های آن در دانشگاه آزاد اسلامی*. فصلنامه اندیشه های تازه در علوم تربیتی، ۱۴، ۱۱-۲۷.

نظری فر، ف.، ابوالقاسمی نجف آبادی، م.، کمالی، ه. و حسینی هفشجانی، ت. (۱۳۸۹). *مقایسه کارکرد سبک های تفکر و رابطه آن با پیشرفت تحصیلی در بین دانشجویان دانشکده های فنی-مهندسی و روان شناسی و علوم تربیتی*

36. student adaptation to college questionnaire
37. Waller
38. Mattanah, Hancock & Brand
39. Beyers & Goossens

## منابع

- آیسنک، م. (۱۳۸۳). *فرهنگ توصیفی روان شناسی شناختی*، ترجمه علینقی خرازی، رمضان دولتی، محسن رئیس قاسم، حسین کمالی، چاپ دوم. تهران، نشر نی (انتشار اثر به زبان اصلی، ۱۹۹۴).
- احمدی، ک. (۱۳۸۹). *بررسی رابطه نوع هویت یابی با سطوح سازگاری و پیشرفت تحصیلی*. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته روان شناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
- امامی پور، س.، و سیف، ع. ا. (۱۳۸۲). *بررسی تحول سبک های تفکر در دانش آموزان و دانشجویان و رابطه آن ها با خلاقیت و پیشرفت تحصیلی*. فصلنامه نوآوری های آموزشی، ۳(۲)، ۵۷-۳۵.
- امامی پور، س.، و شمس اسفندآباد، ح. (۱۳۸۶). *سبک های یادگیری و شناختی*. تهران، سمت.
- برخوردار پور، ز.، و سرمد، ز. (۱۳۸۰). *الگو های تفکر، پایه تحصیلی و نوع مدرسه*. مجله روان شناسی، ۲۰، ۳۶۱-۳۸۰.
- بنکداری، ن. (۱۳۸۴). *بررسی رابطه هوش هیجانی والدین با سازگاری اجتماعی فرزندان*. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان شناسی، دانشگاه تهران.
- تجلی، ف.، و اردلان، ا. (۱۳۸۹). *رابطه ابعاد الگو های ارتباطی خانواده با خودکارآمدی و سازگاری تحصیلی*. مجله روان شناسی، ۵۳، ۶۲-۷۸.
- روشنایی، م. (۱۳۸۹). *تأثیر عوامل فردی و خانوادگی بر سازگاری دانشجویان با محیط دانشگاه*. پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، ۵۵، ۱۹-۴۳.
- خادمی، ع.، کتبیانی، ژ. و دلاور، ع. (۱۳۸۸). *رابطه تحول اخلاقی با سازش یافتگی در نوجوانان*. روانشناسی، ۵۱، ۲۴۶-۲۵۷.

- Tabachnick, B. G., & Fidell, L. S. (2007). *Using multivariate statistics*. (4<sup>th</sup> ed). New York: Harper and Row.
- Yalim, D. (2007). *First year college adjustment: The role of coping, ego resiliency, optimism and gender*. M.S. Dissertation. Turkey, Middle East Technical University.
- Yazedjian, A., & Toews, M. L. (2006). **Predictors of college adjustment among Hispanic student**. *Journal of the First-Year Experience & Student in Transition*, 18(2), 9-29.
- Zhang, L. F. (2006). **Thinking styles and the big five personality traits revisited**. *Personality and Individual Differences*, 40, 1177-1187.
- Zhang, L. F. (2006). **Thinking styles and anxiety**. *Personality and Differences*, 47, 347-351.
- Zhang, L. F., & Sternberg, R. J. (2006). *The nature of intellectual styles*. Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum.
- Zhang, L. F., & Sternberg, R. J. (2009). *Revisiting the value issue in intellectual styles*. In L. F. Zhang, & R. J. Sternberg (Eds), *Perspectives on the Nature of Intellectual* (pp.63-85). New York: Springer Publishing Company.
- Zhang, L. F. (2011). *The developing field of intellectual styles: Four resent endeavors*. *Learning and Individual Differences*, 21, 311-318.
- دانشگاه تهران. دانش و پژوهش در علوم تربیتی - برنامه ریزی درسی، ۲۵، ۵۲-۳۳.
- Abdullah, M., Habibah, E., Rahil, M., & Jegak, U. (2009). *Adjustment among first year students in Malaysian University*. *European Journal of Social Sciences*, 8(3), 496-505.
- Baker, R. W., & Siryk, B. (1989). *The student adaptation to college questionnaire*. USA (LA) Western Psychological Services.
- Cano-Garcia, F., & Hughes, H. E. (2000). *Learning and thinking styles: An analysis of their interrelationship and influence on academic achievement*. *Educational Psychology*, 20, 413- 430.
- Chaplin, J. P. (1985). *Dictionary of psychology*. Third Revised Edition. New York: Dell Publishing Company.
- Coffield, F., Moseley, D., Hall, E., & Eccleston, R. (2004). *Learning styles and pedagogy in post -16 learning*. U. K: Learning Skills Research Center.
- Munro, B., & Pooly, J. A. (2009). *Differences in resilience and university adjustment between school leaver and mature entry university students*. *The Australian Community Psychologist*, 21, 50-61.
- Sternberg, R. J. (1997). *Thinking styles*. New York: Cambridge University Press.